

تأثیر ساختار هیئت مدیره بر دستکاری فعالیت های واقعی و مدیریت سود فرصت طلبانه

مبین شفیعی^۱، سارا میار^۲

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان - ایران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فردوس - فردوس ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر ساختار هیئت مدیره بر دستکاری فعالیت های واقعی و مدیریت سود فرصت طلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ است. با استفاده از روش حذف سیستماتیک در مجموع ۱۴۹ شرکت (۱۰۴۳ سال - شرکت) جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش بعنوان نمونه انتخاب شد. در این پژوهش از رگرسیون چندمتغیره و نرم افزار ایویوز ۱۰ جهت پیاده سازی و آزمون فرضیه ها استفاده شده است. نتایج این پژوهش نتایج نشان می دهد که نتایج نشان می دهد که اندازه هیئت مدیره استقلال هیئت مدیره و دوگانگی مدیرعامل بر دستکاری فعالیت های واقعی تأثیر معناداری دارند. همچنین اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و دوگانگی مدیرعامل بر مدیریت سود فرصت طلبانه تأثیر معناداری دارند.

واژه های کلیدی: اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، دستکاری فعالیت های واقعی، مدیریت سود فرصت طلبانه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

مدیریت سود، فرایندی است که از سوی گروه مدیریت شرکت به قصد دستیابی به اهداف یا منافع انجام می‌گیرد. از این رو، مدیریت برای تأثیرگذاری بر مخاطبان گزارش‌های حسابداری و برای رسیدن به اهداف و منافع مورد نظر، سودهای گزارش شده را مدیریت می‌کنند. تعریف واحدی از مدیریت سود در دست نیست، ولی اغلب محققان معتقدند که مدیریت سود به معنای آزادی مدیر در انتخاب یک رویه حسابداری و مداخله هدفمند وی در فرایند گزارشگری مالی برون سازمانی، به قصد کسب منافع شخصی است. بخش عمده‌ای از ادبیات مدیریت سود، به دنبال توضیح انگیزه‌های مدیریت سود با استفاده از نظریه نمایندگی است. مدیریت سود به یک پدیده رایج تبدیل شده است که در اکثر کشورهای جهان اتفاق می‌افتد. تحقیقات زیادی نیز بر روی مدیریت سود در ایران صورت گرفته است که یافته‌های این پژوهش‌ها وجود مدیریت سود در شرکت‌های بورسی را اثبات می‌کنند. اسکات (۲۰۰۹) مدیریت سود را انتخاب رویه‌های حسابداری توسط مدیر تعریف می‌نماید. به عقیده‌ها، هدف مدیر به واسطه این انتخاب آن است تا به اهداف خاصی از جمله دریافت پاداش بیشتر، کاهش نسبت بدهی، کاهش مالیات و کاهش هزینه‌های سیاسی و ... نایل آید. در ادبیات حسابداری، متداولترین روش‌ها برای مدیریت سود، مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود می‌باشد. از آنجا که معمولاً مدیریت سود تعهدی در پایان دوره مالی و مدیریت واقعی سود در طی دوره مالی انجام می‌پذیرد، انتظار می‌رود که تصمیمات مدیران برای دستکاری فعالیت‌های واقعی در طی دوره، بر مدیریت سود تعهدی در پایان دوره اثرگذار باشد. مدیران برای رسیدن به سودهای هدف نمی‌توانند فقط بر مدیریت ارقام تعهدی در پایان دوره اتکا کنند زیرا اینکار ریسک زیادی دارد و به ویژه اگر عملکرد شرکت طی دوره و یا شرایط اقتصادی مناسب نباشد، برای رسیدن و یا نزدیک شدن به اهداف سود، محدودیت‌هایی را برای مدیران ایجاد می‌کند. مدیران از مدیریت ارقام تعهدی و دستکاری فعالیت‌های واقعی به طور مشترک برای مدیریت سود استفاده می‌کنند (زانگ، ۲۰۱۲). این مطالعه بررسی می‌کند که آیا ساختار هیئت مدیره بر دستکاری فعالیت‌های واقعی و مدیریت سود فرصت طلبانه تأثیر دارد یا خیر؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

یکی از ارقام صورت‌های مالی که بعنوان معیار ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری واحد انتفاعی مورد توجه قرار می‌گیرد، گزارشگری سود می‌باشد. اما محاسبه سود خالص یک واحد انتفاعی متأثر از روشها و برآورد‌های حسابداری است. اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق برآورد و پیش‌بینی و همچنین اعمال روش‌های نظیر روش ارزیابی موجودی کالا، استهلاک سرقفلی، هزینه‌های جاری سرمایه‌ای تلقی کردن هزینه‌های تحقیق و توسعه و تعیین هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول از جمله مواردی هستند که مدیران میتوانند از طریق اعمال آنها سود را تغییر دهند. از یک طرف به دلیل آگاهی بیش‌تر مدیران از وضعیت شرکت، انتظار می‌رود به گونه‌ای اطلاعات تهیه و ارائه شود که وضعیت شرکت را به بهترین نحو منعکس کند، از طرف دیگر بنا به دلایلی نظیر ابقاء در شرکت، دریافت پاداش و ... مدیریت واحد انتفاعی خواسته یا ناخواسته ممکن است با دستکاری سود، وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. تحت چنین شرایطی سود واقعی با سود گزارش شده در صورت‌های مالی مغایرت داشته و رویدادهای تحت عنوان مدیریت سود رخ داده است (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴). در ادبیات حسابداری ارائه تعریف درستی از مدیریت سود دشوار است. زیرا مرز بین مدیریت سود (هموارسازی سود) و تقلب‌های مالی را نمی‌توان به روشنی تبیین نمود. نقش اصلی گزارشگری مالی انتقال اثر بخش اطلاعات مالی به افراد برون سازمانی به روش معتبر و به موقع است. برای انجام این مهم مدیران از فرصت‌هایی برای اعمال قضاوت در گزارشگری مالی برخوردار شده‌اند. البته مدیران می‌توانند درباره فعالیت‌های تجاری برای بهبود اثر بخش صورت‌های مالی بعنوان

Scott

Zang

ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان بالقوه استفاده نمایند. با این حال چنانچه مدیران برای گمراه کردن استفاده کنندگان صورت های مالی (درون سازمانی و برون سازمانی) از طریق اعمال اختیارات خود در زمینه گزینش های حسابداری در گزارش های مالی، انگیزه هایی داشته باشند احتمال می رود سود رخ دهد. در بیانیه مفاهیم شماره یک هیات استانداردهای حسابداری مالی هدف از گزارشگری مالی، تهیه اطلاعات مفید برای تصمیم گیران اقتصادی و تجاری عنوان شده است. یکی از ابزارهای ارائه اطلاعات مفید توسط مدیران، برای استفاده کنندگانی که نمیتوانند مستقیماً بر رویدادهای شرکت نظارت کنند، صورت های مالی حسابداری است. به عبارت دیگر برای این اشخاص، اطلاعات حسابداری منتشر شده، چیزی جز جانشین برای پدیده های واقعی نیست. همچنین در تحقیقات بسیاری، نقش صورت های مالی حسابداری بعنوان یکی از ابزارهای مهمی که تاثیر زیادی بر تصمیمات استفاده کنندگان دارد، به اثبات رسیده است. یکی از اجزای صورت های مالی، سود حسابداری است که مهمترین معیار از عملکرد شرکت ها و مبنایی است برای تصمیمات سرمایه گذاری، اعتباردهی و سنجش عملکرد مدیران و در سطح کلان معیاری از عملکرد بخش اقتصادی جامعه است که بر سیاست گذاری های خرد و کلان دولت ها تاثیر زیادی می گذارد و در نهایت میتواند موجب هدایت منابع محدود اقتصادی به سرمایه گذاری های سود آور و یا ارزش افزوده بالا گردد و یا این منابع با ارزش را تباه سازد. در متون مدیریت مالی مهمترین وظیفه مدیران، حداکثر نمودن ثروت مالکان ذکر شده است که این مهم از طریق افزایش سود خالص، افزایش قیمت سهام و افزایش ریسک شرکت صورت می گیرد. اما الگوی به حداکثر رساندن ثروت مدیران به چالش کشیده می شود. این تضاد که توسط تئوری نمایندگی شرح داده می شود. بیان میدارد که مدیران سعی در حداکثر نمودن منافع خود دارند که لزوماً همسو و همسان با منافع مالکان نیست. از طرفی صاحبان سرمایه تمایل دارند سود با نرخ ثابتی رشد یابد تا اینکه مبلغ افزایش آن ثابت باشد، زیرا این امر سبب می شود نوسان های غیر عادی سود خنثی شده و انتظارات ذهنی سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه در ارتباط به سود تقسیمی و قدرت سودآوری شرکت بهبود یابد. که این مساله خود باعث کاهش ریسک شرکت، افزایش رضایت مالکان و اعتبار دهندگان و در نتیجه افزایش منافع مدیران میگردد. این احتمال می رود که مدیران برای کسب رضایت مالکان و در نتیجه افزایش منافع خود از طرق مختلفی اقدام به مدیریت سود نمایند. اما همواره این نگرانی وجود داشته و دارد که مدیران فقط به فکر افزایش منافع خود باشند و در این میان توجهی به منافع مالکان و سایر صاحبان سود نمایند. به عبارت دیگر مدیران سود را به گونه ای مدیریت نمایند که منافع خود را افزایش و منافع دیگران را تباه سازند. از دیدگاههای مختلف همچون ریسک شرکت، تئوری نمایندگی و اینکه این عمل پاسخی است از طرف مدیران به منظور افزایش امنیت شغلی، پدیده هموارسازی سود شرکت را میتوان تفسیر نمود. در ادبیات مالی یکی از معیارهای سنجش ریسک یک شرکت تغییرات در مبلغ سود آن است. از سوی دیگر سرمایه گذاران با توجه به ریسک برآوردی شرکت نرخ بازده مناسبی را مطالبه میکنند. به طوریکه هرچه ریسک شرکت از دیدگاه سرمایه گذاران بالاتر باشد نرخ بازده مورد انتظار آنان نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس در صورتیکه ریسک شرکت از دیدگاه سرمایه گذاران پایین باشد نرخ بازده مورد انتظار آنان نیز بر نرخ سرمایه گذاری بدون ریسک نزدیک خواهد شد. بنابراین مدیران شرکت برای پایین آوردن نرخ بازده مورد انتظار سرمایه گذاران سعی میکنند ریسک سرمایه گذاری در شرکت را کاهش دهند تا بتوانند به راحتی به منافع مورد نیاز خود دست یابند. در این راستا مدیران شرکت تلاش میکنند با هموارسازی سود تغییرات و نوسانات سود را کاهش دهند تا از این راه ریسک سرمایه گذاری در شرکت در سطح پایینتری نگه داشته شود، به بیان دیگر هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه است که توسط مدیریت و با استفاده از ابزارهای ویژه ای در حسابداری برای کاهش از نوسانات سود انجام می گیرد. به گفته لئویولد هموارسازی سود عملی سفسطه آمیز و مودبانه است و به ندرت بر اساس دروغ آشکار انجام می گیرد. زیرا هموارسازی سود بیشتر در اثر تغییر و تفسیر به دست آمده از اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری حاصل می شود. به زبان ساده تر هموارسازی سود در محدوده اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری صورت میگیرد (آقایی و همکاران، ۱۳۸۸) در هموارسازی سود به واسطه جابه جایی هایی که در درآمدها و هزینه ها انجام میگیرد سود یک یا چند دوره مالی تغییر یافته و تعدیل می شود در واقع اینگونه است که میتوان گفت هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه ای است که توسط مدیریت انجام میگیرد بنابراین هموارسازی سود از راه انتقال سود بین سالهای مختلف فعالیت شرکت صورت میگیرد. به طوری که در سالهایی که سود بسیار بالا است مدیران از راه به کارگیری برخی رویه های حسابداری شناسایی سود را به تعویق می اندازند. و تلاش می کنند این سودهای شناسایی نشده را در سالهایی که سود پایین است

شناسایی کننده به این ترتیب دامنه تغییرات سود در سال های مختلف کاهش می یابد و به اصطلاح سود شرکت هموار می شود برای مثال مدیریت شرکت لاستیک فابر استون در سال ۱۹۷۰ میلادی تلاش نمود درآمدهای شرکت را در یک حساب پنهان کاری نماید تا با این عمل بتواند در سال هایی که سودآوری شرکت کاهش میابد از آن استفاده کند (آقایی و همکاران، ۱۳۸۸). هموارسازی سود به اینگونه ارائه شده است. هر شیوه طراحی شده به منظور حذف بی نظمی داده ها همانند پستی و بلندی های غیر معمول در منحنی سود که میتواند نتیجه شرایط غیر مستقیم عملیاتی باشد. هموارسازی سود عبارتند از کاستن عمومی از نوسانات سود که به نظر می رسد برای شرکت عاری باشد به عقیده آنان مدیران برای کاستن از نوسانات سود گزارش شده و افزایش پیش بینی درست جریان وجوه نقد آتی توسط سرمایه گزاران برای هموارسازی سود گام بر می دارند و انتظار می رود این عمل تاثیر مثبتی بر ارزش سهام و عملکرد مدیریت داشته باشد برخی نیز با دیدی بدبینانه تر به هموارسازی سود نگاه می کنند هموارسازی سود عملی است که باعث سوء استفاده در گزارشگری مالی شده و استفاده کنندگان از صورت های مالی به این امر واقف و آگاه باشند. هموار سازی سود عملی است که میتواند باعث افشای نادرست اطلاعات مالی گردد. به بیان دیگر اگر هموار سازی سود انجام گیرد سرمایه گذاران اطلاعات صحیح و درستی به منظور ارزیابی بازده و انحراف پرتفوی نخواهد داشت. مدیران از راه هموار سازی سود اطلاعات شخصی خود را در مورد سودآوری آتی به بازار منتقل می کند (کوهن . همکاران، ۲۰۱۰).

مدیریت سود کارا: که هدف از آن افزایش کیفیت تهیه اطلاعات برای کمک به استفاده کنندگان برای درک بهتر قدرت سودآوری و وضعیت مالی شرکت است.

مدیریت سود فرصت طلبانه: که مدیران این اعمال را فقط برای حداکثرسازی منافع خود و نه سرمایه گذاری انجام می دهند.

توانایی نسبی در کاهش و یا افزایش سود گزارش شده توسط مدیران به عنوان دستکاری در حساب ها معرفی می شود. عناوینی مانند (حداکثر کنندگان)، (حداقل کنندگان) و یا (هموار کنندگان)، به طور تلویحی به افرادی گفته میشود که به دستکاری حساب ها اقدام میکنند. البته دستکاری در حسابها، حوزه وسیع تری را نسبت به آنچه کاپلاند بدان اشاره کرده بود در بر میگیرد. از جمله نحوه طبقه بندی اقلام در صورت سود و زیان که به دفعات در ادبیات حسابداری مطرح شده است، و یا مورد مرتبط با ترانزنامه که البته کمتر بدان اشاره شده است. از سوی دیگر، انگیزه برای دستکاری سود در حساب ها از جمله مواردی است که نیازمند توجه بیشتری است. گاهی مدیران از حساب ها به عنوان ابزاری برای نمایش غیر واقعی حصول اهداف بلند مدت شرکت و یا کاهش مصنوعی ریسک متصور، استفاده میکنند. مدیریت سود در تحقیقات دانشگاهی توجه زیادی را به خود جلب کرده است. ادبیات اولیه در حوزه مدیریت سود به ازمن تاثیر گزینش های حسابداری بر بازار سرمایه پرداخته است و کانون تمرکز اصلی آن، تمایز میان دو فرضیه رقیب بوده است. فرضیه مکانیکی که در ادبیات حسابداری دهه ۶۰ میلادی رایج بوده، بیانگر این است که استفاده کنندگان صورت های مالی، منابع اطلاعاتی غیر از گزارش های مالی شرکت ها را مورد استفاده قرار نمیدهند و سرمایه گذاران صرفا بر اساس ارزش های ظاهری منعکس در اطلاعات مالی گزارش شده توسط شرکت ها تصمیمات خود را اتخاذ می کنند. رقیب فرضیه مکانیکی اصطلاحا فرضیه بازار کارا نامیده میشود. فرضیه بازار کارا پارادایم حکم فرما بر تحقیقات حسابداری مالی در دهه ۷۰ میلادی، بیانگر این است که قیمت های بازار تمام اطلاعات در دسترس را به طور کامل منعکس میکند (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴). در پاسخ به این سوال که چرا شرکت ها به تغییرات حسابداری ارایشی متوسل میشوند، واتز و زیمرمن نظریه اثباتی خود را به عنوان بدیلی برای توصیف تغییرات حسابداری ارایشی تدوین کردند. این نظریه انگیزه هایی غیر از انگیزه های مرتبط با بازار سرمایه را برای مدیریت سود توسط شرکت ها مطرح نمود. فرضیه های اصلی مطرح شده توسط واتز و زیمرمن عبارت است از فرضیه طرح پاداش، فرضیه قرارداد بدهی و فرضیه هزینه های سیاسی که در مباحث بعدی به آنها پرداخته خواهد شد. حسابداری تعهدی حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره های زمانی متفاوت اعطاء میکند. در واقع تحت این نوع از سیستم حسابداری، مدیران کنترل چشم گیری بر زمان تشخیص برخی اقلام از جمله هزینه های تبلیغات و مخارج تحقیق توسعه دارند. از سوی دیگر مدیران در سیستم حسابداری تعهدی، با گزینه های متفاوتی در مورد زمان تشخیص درآمد ها نیز روبرو هستند، از جمله تشخیص سریعتر درآمد از طریق فروش های نسبی، این گونه

عملکرد از سوی مدیران در عبارتی ساده به عنوان (مدیریت سود) یاد میشود. مدیریت سود را به عنوان نوعی دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت حصول به سطح مورد انتظار سود برای بعضی تصمیمات خاص (از جمله پیش بینی تحلیل گران و یا برآورد روند سودهای قبلی برای پیش بینی سودهای آتی) تعریف می گردد. درواقع انگیزه اصلی مدیریت سود، مدیریت تصور سرمایه گذاران در مورد واحد تجاری است. برخی عوامل مدیران شرکت ها را در برخورد با مسایل ترغیب نموده تا سود شرکت را هموار نمایند. مدیران این شرکت ها تلاش میکنند که از طریق هموارسازی مصنوعی سود، رشد سود آوری شرکت های تحت مدیریت خود را یکنواخت نشان دهند. یکی دیگر از اهداف مدیریت سود، حفظ اعتبار شرکت است، چون اعتبار شرکت باعث میشود شرکت کارا و پویا به حساب آید. کسب جایگاهی مناسب در میان رقبا و بازار سرمایه باعث میشود سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان نسبت به شرکت نظر مساعد تری داشته باشند و شرکت از صرف هزینه های بیشتر در رقابت با سایر شرکت های مشابه بی نیاز شود و با هزینه های کمتر اعتبار و وام دریافت کند. فرایند هموارسازی سود به مدیریت رده بالا و حسابداری برون سازمانی محدود نمیشود. همچنین فرض بر این است که در مورد مدیریت سطوح پایین و حسابداری درون سازمانی در شکل اختیارات و بودجه هایی که در اختیار مدیریت قرار دارد این اقدام به عمل آید (نمازی و همکاران، ۱۳۹۰؛ محمودآبادی و صفری، ۱۳۹۰). اسکات (۲۰۰۹) در کتاب تئوری حسابداری مالی موضوع مدیریت سود را از دو دیدگاه قراردادهای و گزارشگری مالی و با تفصیل بیشتری مورد توجه قرار میدهد. بررسی ها و پژوهش های صورت پذیرفته توسط نامبرده منجر به این نتیجه جذاب و شگفت آفرین شد که وجود مقدار کمی (مدیریت بر سود) میتواند (خوب و پسندیده) باشد. ممکن است برخی از مدیران از مدیریت بر سود سوء استفاده نمایند. از دیدگاه قراردادهای، امکان دارد آنها از منظر فرصت طلبی به مدیریت برسود نگاه کنند و در نتیجه به هزینه طرف های دیگر قرارداد در صدد منافع خود بپردازند. از دیدگاه گزارشگری مالی اما، امکان دارد مدیر بخش عمده ای از دارایی ها را از دفاتر خارج کند و یا به ترکیب های دیگری از سود تاکید نماید. به هر دلیلی این موضوع روشن است که مدیر به سطر آخر صورت سود و زیان توجه زیادی می نماید. با این فرض که مدیر می تواند از میان یک مجموعه از رویه ها (برای مثال اصول پذیرفته شده حسابداری) یک رویه حسابداری انتخاب کند این امر طبیعی است که ما انتظار داشته باشیم او رویه ای را انتخاب خواهد کرد که مطلوبیت مورد انتظار خود و یا ارزش بازار شرکت را به حداکثر برساند. این پدیده را مدیریت بر سود می نامند بعبارت دیگر مدیریت بر سود یعنی اینکه مدیر می تواند رویه ای از حسابداری را انتخاب نماید که به هدف خاصی دست یابد.

زمان تغییر مدیر عامل انگیزه های زیادی بوجود می آید که نوعی مدیریت بر سود اعمال شود. برای مثال اساس مفروضات طرح پاداش می توان پیش بینی کرد که چون زمان بازنشستگی مدیر عامل فرا رسد به احتمال زیادی او درصدد اجرای نوعی استراتژی برآید که سود را به حد اکثر برساند و میزان پاداش خود را افزایش دهد. به همین شیوه، شرکت هایی که مدیران عامل آنها دارای عملکرد ضعیفی بودند و مانع از این شده اند که سود خالص به حد اکثر برسد و یا کوشیده اند آن را به دوره های بعد منتقل کنند از شرکت اخراج شده اند. از سوی دیگر این مدیران عامل یک استراتژی به نام "آب از سر گذشتن" استفاده کنند و در صدد بر آیند احتمال سود مثبت آینده را افزایش دهند. این انگیزه در مدیران عامل جدید شرکت ها وجود دارد، به ویژه اگر آنها بتوانند حذف بسیار اقلام را به حساب مدیران عامل پیشین بگذارند یا به عبارت دیگر گناه آن را به گردن آنها بیندازند.

زمانیکه مدیران از اختیارات خود برای انتشار اطلاعات محرمانه در مورد سودآوری شرکت، در چارچوب بهای تمامشده تاریخی استفاده کنند و این اقدام موجب افزایش ارزش شرکت شود، مدیریت سود از نوع کارا خواهد بود. این رفتار محتوای اطلاعاتی سود را بهبود میبخشد. به بیان دیگر، زمانیکه اقلام تعهدی اختیاری توانایی انتقال اطلاعات مربوط به سودآوری آتی به بازار را داشته باشد، مدیریت سود کاراست. چنانچه مدیران در راستای تحت تأثیر قراردادن نتایج قراردادهای مبتنی بر ارقام حسابداری، به واسطه انعطافپذیری در حسابداری تعهدی، سود گزارششده را دستکاری کنند یا ساختار مبادلات را تغییر دهند، کیفیت سود تحت تأثیر قرار میگیرد و سبب کاهش اعتماد نسبت به گزارشهای مالی میشود. در این صورت اقلام تعهدی اختیاری، اطلاعاتی درباره سودآوری آتی منتقل نمیکند و مدیریت سود فرصت طلبانه است (بونلرت و همکاران، ۲۰۰۶).

حتی در نبود تحریف عمدی سود توسط مدیران، یاقلام تعهد بزرگ نیز ممکن است به دلیل وجود خطا در برآورد اقلام تعهدی، موجب کاهش کیفیت شود. چنانچه یاقلام تعهد غیرعادی بزرگ خطای برآورد بالایی داشته باشند، چنین اقلامی نمیتوانند جریانهای نقدی آتی را به تصویر بکشانند. شرکتهای با کیفیت سود پایین (اقلام تعهدی بالا) در دوره پس از گزارشگری سود، دچار افت بازدهی میشوند؛ زیرا سرمایه گذاران به مسئله کیفیت سود پایین شرکتهای پی میبرند و قیمت سهام را متناسب با آن تعدیل میکنند. اقلام تعهدی اختیاری که نمایندهای برای مدیریت سود محسوب میشوند، ارتباط تنگاتنگی با کیفیت سود در ارزیابی سلامت مالی واحد اقتصادی دارند. هنگامیکه مدیریت به دستکاری سود اقدام میکند، کیفیت سود حسابداری کاهش مییابد؛ زیرا اقلام تعهدی افزایش یافته و سود بر جریان نقدی، فزونی مییابد و هرچه فاصله سود و جریان نقدی بیشتر شود، از کیفیت سود کاسته میشود. با این حال کاهش مدیریت سود، کیفیت بالای سود را تضمین نمیکند؛ زیرا عواملی همچون بازار سرمایه و استانداردهای ضعیف که موجب افزایش کیفیت گزارشهای مالی میشود، در کیفیت سود نقش دارند (لی و همکاران، ۲۰۱۱).

هیئت مدیرهها به عنوان عنصری فعال و تسهیل کننده در فعالیتهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سازمان، از مسئولیتهایی برخوردارند که این مسئولیتهای به صورت رسمی یا غیر رسمی در شرح

شغلی آنها تعریف می گردد. آنچه که به وضوح در تحقیقات اخیر به چشم می خورد درک این موضوع است که هیئت مدیرهها زمانی میتوانند به مسئولیتهای خود جامه عمل بپوشانند که آنها را به درستی درک کرده و اقدامات مقتضی را برای تحقق آنها اعمال کنند.

- وظیفه تصویب و تأیید صداقت، شفافیت گزارشی و پاسخگویی به ذینفعان

- وظیفه اعتماد سازی

- وظیفه وفادار سازی مدیر اجرایی

- وظیفه نگرهبانی

- وظیفه باز بینی منتقدانه و تفکر مستقل

- وظیفه انجام نقشها و امور اصلی هیئت مدیره

- وظیفه تامین رضایت حداقلی صاحبان سهام

- وظیفه یادگیری، توسعه و ارتباطات

- وظیفه مسوولیت تامین منابع سازمانی

- وظیفه اجتماعی

- وظیفه قانونی

پیشینه تحقیق:

مقصودی نیا و دیباکیا (۱۳۹۸) به بررسی تاثیر مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود واقعی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که بین مالکیت خانوادگی و دستکاری فعالیت های واقعی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد؛ به گونه ای که با افزایش مالکیت خانوادگی، دستکاری فعالیت های واقعی کاهش می یابد.

اکبری مقدم (۱۳۹۷) ارتباط بین ضعف کنترل داخلی دستکاری فعالیت های واقعی را تبیین کردند. نتیجه آزمون فرضیه های پژوهش نشانگر این امر بود که افزایش کیفیت حسابداری مستقل سبب کاهش نقاط ضعف کنترل های داخلی می گردد.

فرخ زاده دهکردی و حیدری (۱۳۹۶) به بررسی چگونگی ارتباط توانایی مدیریت با حق الزحمه و تعدیل اظهار نظر حسابداری به دلیل ابهام در تداوم فعالیت نمونه های از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان می دهد که با افزایش میزان توانایی مدیران، حق الزحمه حسابداری و احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابداری واحد تجاری کاهش می یابد. به صورت کلی، یافته های تحقیق نشان می دهد که توانایی مدیریت، عاملی تأثیرگذار بر تصمیمات حسابرسان است. این نتایج از آن رو اهمیت دارد که شواهد تجربی چندانی در خصوص رابطه بین خصوصیات مدیریت و تصمیمات حسابرسان وجود ندارد.

اکبری و حاجیه (۱۳۹۵) به بررسی رابطه ریسک ورشکستگی مالی و اظهار نظر حسابرسان در مورد ابهام در تداوم فعالیت پرداختند. نتایج بررسی ها نشان داد که بین ریسک ورشکستگی مالی و اظهار نظر حسابرسان در مورد ابهام در تداوم فعالیت ارتباط مستقیم و معنادار وجود دارد.

سیمامورا و هندارجاتنو (۲۰۱۹) به بررسی تاثیر دوره تصدی مشتری، حسابداری، تاخیر در حسابداری بر اظهار نظر تداوم فعالیت پرداختند و نتایج نشان داد که دوره تصدی مشتری، حسابداری، تاخیر در حسابداری بر اظهار نظر تداوم فعالیت حسابداری تاثیر معناداری دارد.

مارچینی و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان معاملات با اشخاص وابسته، حاکمیت شرکتی و مدیریت سود (دستکاری فعالیت های واقعی) نشان دادند که تعامل بین معاملات مربوط به فروش و حاکمیت شرکتی رابطه منفی با اقلام تعهدی غیر طبیعی دارد که نشان می دهد کیفیت حاکمیت شرکتی سبب کاهش رابطه مثبت بین معاملات فروش و مدیریت سود می شود.

الهلالی و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداختند. نتایج نشان داد ارتباط معناداری بین مدیریت سود تعهدی و معاملات با اشخاص وابسته وجود ندارد. کیفیت حسابداری می تواند رابطه بین مدیریت سود تعهدی و معاملات با اشخاص وابسته را تحت تأثیر قرار میدهد.

روش شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، از نوع پژوهش های کاربردی است. از نظر زمانی مقطعی است. ارتباط بین متغیر ها از نوع توصیفی-همبستگی است و در آن از مدل رگرسیون برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه های مطرح شده استفاده میشود. به منظور گردآوری داده ها، از صورتهای مالی شرکت ها شامل صورت سود و زیان شرکت و از صورت های مالی تاریخی به کمک نرم افزار ره آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه های اینترنتی بورس گردآوری خواهد شد. به منظور گردآوری داده های بخش تئوریک و ادبیات موضوع تحقیق، از روش کتابخانه ای (با سود بردن از ابزارهایی همچون کتابها، مقالات، پایان نامه ها و متون دیجیتالی) استفاده می شود. آزمون فرضیه ها با روش رگرسیون چند متغیره (با استفاده از نرم افزار ایویوز^۲) صورت خواهد گرفت.

مدل های پژوهش

در این پژوهش برای بررسی فرضیه ها از مدل های زیر استفاده خواهد شد:

^۲EViews

مدل آزمون فرضیه های ۱ تا ۳:

$$REM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BS_{i,t} + \beta_2 BI_{i,t} + \beta_3 duality_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \beta_8 LI_{i,t} + \beta_9 TENURE_{i,t} + \beta_{10} Return_{i,t} + \beta_{11} ROA_{i,t} + \beta_{12} AO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل آزمون فرضیه های ۴ تا ۶:

$$OM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BS_{i,t} + \beta_2 BI_{i,t} + \beta_3 duality_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \beta_8 LI_{i,t} + \beta_9 TENURE_{i,t} + \beta_{10} Return_{i,t} + \beta_{11} ROA_{i,t} + \beta_{12} AO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

نحوه محاسبه و گردآوری داده ها در مدل:

متغیر وابسته:

۱. مدیریت سود فرصت طلبانه (OM): به معنای این است که مدیریت به منظور حداکثر کردن مطلوبیت خویش، سود رابه گونه ای فرصت طلبانه گزارش می کند. مدیران به منظور جلوگیری از گزارش زیان یا کاهش سود اقدام به مدیریت سود می کنند تا پاداش بیشتری دریافت کنند. برای تشخیص مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه از مدل سودآوری آتی استفاده می کنیم که به شرح زیر است:

$$p_{j,t+1} = \alpha_0 + \alpha_1 NDAC_{j,t} + \alpha_2 DAC_{j,t} + \alpha_3 CFO_{j,t} + \alpha_4 Size_{j,t} + \alpha_5 LEV_{j,t} + \varepsilon$$

سودآوری آتی است که توسط جریان نقدی فعالیت های عملیاتی آتی $CFO_{j,t+1}$ استفاده می شود. جریان نقد عملیاتی، (DAC): اقلام تعهدی اختیاری، (NDAC): اقلام تعهدی غیر اختیاری است. اگر ضریب اقلام تعهدی اختیاری (α_2) کوچکتر مساوی صفر و یا مثبت ناچیز باشد و یا حتی معنادار نباشد، مدیریت سود فرصت طلبانه خواهد بود. در نهایت اگر مدیریت سود فرصت طلبانه باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ را قرار می دهیم.

۲. دستکاری فعالیت های واقعی (REM):

از جریان نقدی غیر طبیعی (EM_CFO) هزینه غیر طبیعی (EM_PROD) و هزینه های اختیاری غیر طبیعی (EM_DISX) برای اندازه گیری کنترل شرکت فروش، کنترل تولید و کنترل هزینه های اختیاری استفاده می کنیم. از فرمول (۲) برای برآورد جریان نقدی غیر طبیعی شرکت EM_CFO، از فرمول (۳) به منظور برآورد هزینه تولید غیر طبیعی شرکت EM_PROD و از فرمول (۴) به منظور برآورد هزینه اختیاری غیر طبیعی شرکت EM_DISX استفاده می کنیم (کوهن ۲۰۱۰، زنگ ۲۰۱۰، لین ۲۰۱۳).

$$\frac{CFO_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \beta_1 \frac{1}{A_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{s_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \beta_3 \frac{\Delta s_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \delta_{i,t} \quad (2)$$

$$\frac{PROD_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \beta_1 \frac{1}{A_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{s_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \beta_3 \frac{\Delta s_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \beta_4 \frac{\Delta s_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} + \delta_{i,t} \quad (3)$$

$$\frac{DISX_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \beta_1 \frac{1}{A_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{s_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} + \delta_{i,t} \quad (4)$$

^۱Opportunistic Earnings Management

^۲real earnings management

$S_{i,t}$ در فرمول (۲) درآمد فروش شرکت i در سال t است. $PRODi,t$ در فرمول (۳) هزینه کل شرکت i از محصول سال t است، و آن با کل تعداد هزینه کل محصول و تغییرات در موجودی معادل است. $DISXi,t$ در فرمول (۴) مجموع هزینه های اداری و هزینه های فروش شرکت i در سال t است. برای صنعت و سال مشابه، با توجه به فرمول (۲)، (۳) و (۴) به باقیمانده های رگرسیون EM_CFO جریان نقدی غیر طبیعی شرکت، EM_PROD هزینه غیر طبیعی تولید و EM_DISX هزینه های غیر طبیعی اختیاری را نسبت می دهیم. با توجه به اینکه شرکت ممکن است ترکیبی از سه راه را انتخاب کند، ما از روش کوهن (۲۰۱۰) و زنگ (۲۰۱۲) برای ساخت شاخص کلی مدیریت سود فعالیت واقعی استفاده می کنیم:

$$EM\ PROXY = EM\ PROD - EM\ CFO - EM\ DISX$$

متغیر مستقل:

در این پژوهش ساختار هیئت مدیره متغیر مستقل است. برای اندازه گیری ساختار هیئت مدیره از متغیر های زیر استفاده خواهد شد: اندازه هیات مدیره (BS): برابر با تعداد کل مدیران در هیئت مدیره است.

هیات مدیره مستقل (BI): برابر با نسبت مدیران مستقل به کل مدیران هیئت مدیره است.

دوگانگی مدیر عامل (Duality): یک متغیر ساختگی است در صورتی که مدیرعامل، رییس هیئت مدیره باشد برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر ۰ است

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت (SIZE): برای محاسبه اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی جمع کل فروش شرکت استفاده می شود.

اهرم مالی (LEV): نسبت بدهی ها به دارایی ها معرف اهرم مالی شرکت بوده و نشان دهنده میزان تأمین مالی بلند مدت برون شرکتی واحد تجاری است. در این مطالعه، این نسبت از طریق تقسیم بدهی ها به مجمع کل دارایی ها بدست می آید.

جریان نقدی عملیاتی (CFO): که برابر است با:

سودخالص + هزینه های غیر نقدی + سرمایه در گردش

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری از تقسیم حاصل ضرب قیمت پایانی سهام در تعداد سهام منتشر شده و در دست سهامداران به ارزش دفتری جمع کل حقوق صاحبان سهام شرکت بدست می آید.

سودآوری (ROA): بازده دارایی ها حاصل تقسیم سود خالص به کل دارایی های است.

دوره تصدی مدیرعامل (tenure): تعداد سالهایی در یک شرکت که مدیر عامل منصوب شده است.

¹Board size

²Board independence

³CEO Duality

⁴Firm Size

⁵Financial Leverage

⁶Operating cash flow

⁷Market value to book value

⁸Return on assets

⁹CEO tenure

نقدینگی (LI): برابر است با نسبت دارایی های جاری به بدهی های جاری.

ضرر و زیان شرکت (LOSS): اگر شرکت در سال قبل ضرر و زیان داشته عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ را می گیرد.

بازده (Return): برای محاسبه بازدهی یک شرکت، از سه عامل (تفاوت ریالی قیمت سهام در انتهای دوره نسبت به اول دوره، میزان تقسیم سود در طول دوره، میزان افزایش سرمایه شرکت ها از محل اندوخته یا آورده در محدوده زمانی) استفاده می شود که به صورت زیر است:

$$\text{بازده سهام} = \left(\frac{\text{حق تقدم} + \text{جایزه سهام} + \text{سود تقسیمی} + (\text{قیمت روز} - \text{قیمت پایه})}{(\text{درصد افزایش سرمایه از محل آورده} * 1000) + \text{قیمت پایه}} \right) * 100$$

اظهار نظر حسابرس (AO): اگر حسابرس در مورد صورت های مالی شرکت اظهار نظر مقبول بدهد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر ۰ است

جامعه و نمونه آماری:

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. در این پژوهش برای این که نمونه آماری یک نماینده مناسب از جامعه آماری مورد نظر باشد، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. برای این منظور پنج معیار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و مابقی حذف می شوند.

- (۱) شرکت قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۷ در بورس فعال باشد.
- (۲) به دلیل ماهیت خاص فعالیت شرکت های هلدینگ، بیمه، لیزینگ، بانک ها، موسسات مالی و سرمایه گذاری و تفاوت قابل ملاحظه آنها با شرکت های تولیدی و بازرگانی، شرکت انتخابی جز شرکت های یاد شده نباشد.
- (۳) از منظر افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی بازه زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشد.
- (۴) سهام شرکت ها در طول هر یک از سال های دوره پژوهش معامله شده باشد
- (۵) اطلاعات مالی شرکت ها در دسترس باشد.

Liquidity

LOSS

Return

Auditor opinion

جدول (۳-۱) روند انتخاب نمونه

۵۱۳	تعداد کل شرکت های پذیرفته شده در بورس در پایان سال ۹۷
	معیارها:
(۱۸۵)	تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی ۹۷-۹۱ در بورس فعال نبوده اند
(۵۳)	تعداد شرکت هایی بعد از سال ۹۱ در بورس پذیرفته شده اند
(۵۰)	تعداد شرکت هایی که جزهلدینگ، سرمایه گذاری ها، واسطه گری های مالی، بانک ها و یا لیزینگ ها بوده اند
(۵۳)	تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی تحقیق تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آن منتهی به پایان اسفند نمی باشد
(۲۳)	تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی تحقیق اطلاعات مورد آن ها در دسترس نمی باشد
۱۴۹	

تعداد شرکت های نمونه

بعد از مدنظر قرار دادن کلیه معیارهای بالا، تعداد ۱۷۰ شرکت به عنوان جامعه غربالگری شده باقیمانده است. که همه آن ها به عنوان نمونه انتخاب شده اند. از این رو مشاهدات ما طی بازه زمانی ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۷ به ۱۰۴۳ سال - شرکت (۷ سال ۱۴۹x شرکت) می رسد.

یافته های تحقیق:

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

آمار توصیفی^۹ تنظیم و طبقه بندی داده ها، نمایش ترسیمی، و محاسبه مقادیری از قبیل نما، میانگین، میانه و ... می باشد که حاکی از مشخصات یکایک اعضای جامعه مورد بحث است. در جدول (۴-۱) اطلاعات مربوط به شاخص های مرکزی (میانگین، میانه، بیشینه و کمینه) و پراکندگی داده ها (انحراف معیار، چولگی و کشیدگی) ارائه شده است.

^۹ Descriptive statistics

جدول (۴-۱) آمار توصیفی متغیرها

متغیر	دستکاری فعالیت های واقعی	مدیریت سود داوطلبانه	اندازه هیئت مدیره	استقلال هیئت مدیره	دوگانگی مدیرعامل	اندازه شرکت	اهرم مالی
میانگین	4.90E-06	0.668265	5.034516	0.676044	0.256951	13.92230	0.629202
میانه	0.002547	1.000000	5.000000	0.600000	0.000000	13.78602	0.617199
ماکسیمم	0.825830	1.000000	7.000000	1.000000	1.000000	19.72257	4.002704
مینیمم	-۰.۶۷۹۱۳۷	0.000000	5.000000	0.000000	0.000000	8.899731	0.108494
انحراف معیار	0.182113	0.471062	0.260587	0.188172	0.437162	1.493342	0.255608
چولگی	0.270339	-۰.۷۱۴۷۴۸	7.413636	-۰.۴۰۳۶۱۶	1.112474	0.778404	3.456273
کشیدگی	4.667519	1.510864	55.96201	3.115642	2.237597	4.840376	36.97431
تعداد مشاهدات	1043	1043	1043	1043	1043	1043	1043

متغیر	ارزش بازار به ارزش دفتری	ضرر و زیان	نقدینگی	دوره تصدی مدیرعامل	بازده سهام	سودآوری	اظهار نظر حسابرسان
میانگین	2.446779	۰.۱۲۰۸۰۵	۱.۳۶۳۰۲۱	۳.۴۸۸۹۷۴	۴۴.۵۲۷۱۴	۰.۰۹۵۸۱۵	۰.۴۶۷۸۸۱
میانه	2.038978	۰.۰۰۰۰۰۰	۱.۲۳۷۷۱۰	۳.۰۰۰۰۰۰	۱۲.۲۳۶۶۳	۰.۰۸۲۹۲۷	۰.۰۰۰۰۰۰
ماکسیمم	121.5096	۱.۰۰۰۰۰۰	۶.۱۳۸۴۸۵	۱۴.۰۰۰۰۰۰	۸۵۹.۴۹۲۵	۰.۶۲۶۷۸۴	۱.۰۰۰۰۰۰
مینیمم	-۵۳.۲۱۷۹۳	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۱۶۴۲۶۶	۱.۰۰۰۰۰۰	-۶۵.۸۰۵۰۶	-۱.۰۶۳۲۵۲	۰.۰۰۰۰۰۰
انحراف معیار	6.159527	۰.۳۲۶۰۵۷	۰.۶۶۸۶۴۸	۲.۷۹۴۰۵۴	۹۹.۰۰۷۶۶	۰.۱۴۴۹۳۶	۰.۴۹۹۲۰۷
چولگی	8.239210	۲.۳۲۷۰۵۴	۲.۱۰۰۳۷۰	۱.۴۴۹۶۷۳	۳۰.۵۵۱۴۴	-۰.۵۲۶۲۵۵	۰.۱۲۸۷۴۱
کشیدگی	186.1944	۶.۴۱۵۱۸۲	۱۰.۲۸۲۸۶	۴.۶۷۳۰۴۶	۱۷.۲۴۳۸۴	۹.۹۹۶۴۰۴	۱.۰۱۶۵۷۴

1043	1043	1043	1043	1043	1043	1043	تعداد مشاهدات
------	------	------	------	------	------	------	---------------

آزمون F لیمر و هاسمن

ابتدا به منظور انتخاب بین روش های داده های تابلویی و داده های تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده می شود. اگر احتمال (p-value) محاسبه شده بیشتر از سطح خطای ۰,۰۵ باشد از داده های تلفیقی استفاده شده که دیگر نیازی به آزمون هاسمن نیست و در غیر این صورت از داده های تابلویی استفاده خواهد شد. در داده های تابلویی از آزمون هاسمن برای انتخاب روش آزمون فرضیه ها استفاده می گردد. اگر سطح معناداری آزمون هاسمن کمتر از ۰,۰۵ باشد از روش اثرات ثابت و در غیر این صورت از روش تصادفی استفاده می گردد. جدول (۴-۸) نتایج حاصل از آزمون F لیمر و هاسمن را برای مدل های پژوهش نشان می دهد.

جدول آزمون F لیمر

مدل	آماره	سطح معناداری	نتیجه
۱	آزمون F	۰,۸۲۷۷	تلفیقی
	آزمون هاسمن	-	-
۲	آزمون F	۰,۲۶۲۲	تلفیقی
	آزمون هاسمن	-	-

بر اساس جدول (۴-۸)، با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر برای فرضیه ها، نوع داده ها و روش آزمون هر یک از فرضیه ها مشخص شده است.

آزمون نرمال بودن خطاها

بررسی و انجام آزمون مذکور بر اساس آماره جاکرک برا است. چنانچه سطح احتمال آزمون جاکرک برا پایین و کمتر از ۰,۰۵ باشد، فرض صفر، یعنی نرمال بودن سری رد می شود. نتایج این آزمون در جدول (۴-۴) ارائه شده است. یکی از فروض مهم راجع به جمله باقیمانده این است که توزیع جملات آن نرمال است. به منظور آزمون نرمال بودن جمله خطا از آماره آزمون جاکرک-بیرا^{۲۰} استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده، احتمال آزمون جاکرک-بیرا، برای مدلهای پژوهش کمتر از ۵ درصد می باشد. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن جمله خطا در مدل رد می شود. با این وجود زمانی که اندازه نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور، با توجه به قضیه حد مرکزی

^{۲۰} Jarque-Bera

می توان دریافت که حتی اگر باقیمانده ها نرمال نباشند، آماره های آزمون به طور مجانبی از توزیع نرمال پیروی می کنند، بدون تورش هستند و از کارآیی برخوردارند. لذا با توجه به این مطالب می توان فرض نرمال بودن جمله خطا را نادیده گرفت.

جدول آزمون نرمال بودن خطای مدل

مدل	نوع آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
۱	جارك برا	۰.۰۰۰	عدم نرمال بودن خطاها
۲	جارك برا	۰.۰۰۰	عدم نرمال بودن خطاها

عدم خود همبستگی متغیرها

اگر یک متغیر به متغیرهای دوره یا دوره های قبل خودش وابسته باشد خود همبستگی می گویند که اگر به یک دوره قبل وابسته باشد خودهمبستگی مرتبه اول و اگر به دوره های قبل تر وابسته باشد همبستگی آن دوره یا سریالی گویند. به عبارت دیگر هر گاه دو مقدار متفاوت برای متغیرهای مستقل را در نظر بگیریم، فرض بر این است که جمله های اخلاص متناظر با آنها از یکدیگر مستقلند. در چنین حالتی می گوئیم که جمله های اخلاص خود همبستگی ندارند. آزمون دوربین واتسون از مشهورترین آزمون ها جهت تشخیص خودهمبستگی است. زمانی که آماره دوربین واتسون در حدود ۱,۵ تا ۲,۵ باشد، معرف آن است که خودهمبستگی وجود ندارد، ولی مقادیر بالاتر یا کمتر از ۱,۵ تا ۲,۵ معرف آن است که جملات خطا به صورت تصادفی اتفاق نمی افتند و بنابراین، نتایج غیرواقعی است.

جدول خودهمبستگی آزمون دوربین- واتسون

مدل	آزمون	آماره آزمون	نتیجه
۱	دوربین واتسون	۲.۰۳۶	عدم وجود خودهمبستگی
۲	دوربین واتسون	۱.۹۶۵	عدم وجود خودهمبستگی

مقدار آماره دوربین- واتسون بین ۱,۵ تا ۲,۵ است که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها (مرتبه اول) را نشان می دهد.

آزمون همسانی واریانس خطاها

یکی از پیش فرض های مدل رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطا است. به طوری که باوجود ناهمسانی واریانس در مدل، افزایش یا کاهش در متغیر مستقل، واریانس متغیر وابسته که برابر با واریانس پسماند است تغییر می کند. در این پژوهش برای اطمینان از نتایج به دست آمده، برای بررسی همسانی واریانس ها در داده های ترکیبی از روش بارتلت استفاده می شود. در روش همسانی واریانس بارتلت، فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس ها و فرض مخالف آن ناهمسانی واریانس ها در نظر گرفته می شود. جدول (۴-۵) نتایج حاصل از آزمون همسانی مدل ۱ پژوهش را نشان می دهد.

جدول: آزمون همسانی واریانس خطاهای مدل

مدل	نوع آزمون	احتمال آزمون	نتیجه آزمون
۱	بارتلت	۰.۰۰۰	ناهمسانی واریانس
۲	بارتلت	۰.۰۰۰	ناهمسانی واریانس

با توجه به نتایج جدول (۴-۵) که نشان دهنده مقدار احتمال کوچکتر از ۰,۰۵ است، می توان گفت واریانس خطاها ناهمسان است و فرض صفر مبنی بر ثابت بودن واریانس مدل رد شده است. بنابراین، به منظور رفع ناهمسانی واریانس از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می کنیم.

تحلیل آزمون فرضیه های پژوهش

بعد از اینکه فرض کلاسیک مربوط به رگرسیون و مانایی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و روش تخمین مدل هم مشخص گردید، حال نوبت آن است که مدل با توجه به نتایج آزمون F لیمر وهاسمن برآورد گردد. زمانیکه تعداد شرکتها از مقاطع دوره زمانی بیشتر باشد ممکن است مشکل ناهمسانی واریانس رخ دهد. در این پژوهش برای تشخیص ناهمسانی واریانسها از آزمون وایت و برای تشخیص وجود خود همبستگی بین متغیرها از آزمون دوربین- واتسون استفاده شده است. لازم به ذکر است که در مدل های مورد استفاده، وجود ناهمسانی واریانسها تایید شده است و از آزمون GLS استفاده شده است. در نهایت نرم افزار ایویوز برای تشخیص رابطه موجود بین متغیرها به کار گرفته شده است. به منظور آزمون فرضیه ها از نتایج تخمین مدل تحقیق ارائه شده در جدول (۴-۹) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر ۰,۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین- واتسون ۲,۰۳۶ می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها (مرتبه اول) را نشان می دهد. در حالت کلی نتایج نشان می دهد که ضریب متغیرهای مستقل اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره مثبت بوده که نشان دهنده تاثیر مثبت آنها بر دستکاری فعالیت های واقعی می باشد. که با توجه به سطح معنی داری متغیرهای مستقل بترتیب اندازه هیئت مدیره برابر ۰,۰۱۸۴، استقلال هیئت مدیره برابر ۰,۰۴۳۴ و دوگانگی مدیرعامل برابر ۰,۰۳۶۷ بوده که کمتر از ۵ درصد بوده، معنی دار می باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه اول تا سوم تحقیق تایید می شود.

جدول نتایج تخمین مدل اول پژوهش

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	-۰.۰۴۰۴۰۵	۰.۰۸۲۸۷۵	-۰.۴۸۷۵۳۹	۰.۶۲۶۰
اندازه هیئت مدیره	-۰.۰۱۴۲۳۰	۰.۰۱۴۲۵۴	-۵.۹۹۸۳۳۰	۰.۰۱۸۴
استقلال هیئت مدیره	-۰.۰۳۹۳۸۷	۰.۰۲۳۸۱۳	-۳.۶۵۳۹۸۷	۰.۰۴۳۴
دوگانگی مدیرعامل	۰.۰۱۷۹۹۸	۰.۰۰۹۸۰۵	۳.۸۳۵۵۸۸	۰.۰۳۶۷
اندازه شرکت	-۰.۰۰۰۱۸۵	۰.۰۰۲۹۸۷	-۰.۰۶۱۹۹۹	۰.۹۵۰۶
اهرم مالی	-۰.۰۰۰۰۲۹۶	۰.۰۲۷۵۰۹	-۰.۰۱۰۷۴۷	۰.۹۹۱۴
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰.۰۰۰۰۷۴۸	۰.۰۰۰۰۵۶۰	۱.۳۳۵۶۳۵	۰.۱۸۲۰
ضرر و زیان	-۰.۰۰۰۵۷۶۱	۰.۰۱۴۲۴۲	-۰.۴۰۴۴۹۷	۰.۶۸۵۹
نقدینگی	-۰.۰۰۰۸۱۳۱	۰.۰۰۸۲۴۷	-۰.۹۸۵۸۹۱	۰.۳۲۴۴
دوره تصدی مدیرعامل	۰.۰۰۱۳۸۸	۰.۰۰۱۴۰۳	۰.۹۸۹۶۲۰	۰.۳۲۲۶
بازده سهام	۰.۰۰۰۰۱۳۴	۴.۴۰-۰.۵	۳.۰۳۶۵۳۷	۰.۰۰۲۵
سودآوری	۰.۰۱۳۴۹۸	۰.۰۴۵۲۲۱	۰.۲۹۸۴۸۶	۰.۷۶۵۴
اظهارنظر حسابرس	-۰.۰۰۰۰۵۱۷	۰.۰۰۸۴۱۲	-۰.۰۶۱۵۰۰	۰.۹۵۱۰
ضریب تعیین تعدیل شده			۰.۲۳۶	
دوربین- واتسون			۲.۰۳۶	
سطح معناداری (آماره F)			۰.۰۰۰	

به منظور آزمون فرضیه‌ها از نتایج تخمین مدل تحقیق ارائه شده در جدول (۴-۱۰) بهره گرفته شده است. مقدار احتمال (یا سطح معنی‌داری) F برابر ۰,۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰,۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی مدل معنی‌دار است. مقدار آماره دوربین- واتسون ۱,۹۶۵ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها (مرتب اول) را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیرهای مستقل اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره مثبت بوده که نشان دهنده تاثیر مثبت آنها بر مدیریت سود فرصت طلبانه می‌باشد. که با توجه به سطح معنی‌داری متغیرهای مستقل بترتیب اندازه هیئت مدیره برابر ۰,۰۰۰، استقلال هیئت مدیره برابر ۰,۰۳۸۵ و دوگانگی مدیرعامل برابر ۰,۰۰۰ بوده که کمتر از ۵ درصد بوده، معنی‌دار می‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه چهارم تا ششم تحقیق تایید می‌شود.

جدول نتایج تخمین مدل دوم پژوهش

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	۱.۷۶۰۳۷۰	۰.۳۳۸۸۸۴	۵.۱۹۴۶۰۵	۰.۰۰۰۰
اندازه هیئت مدیره	-۰.۲۴۵۵۹۴	۰.۰۵۱۰۵۳	-۴.۸۱۰۵۳۰	۰.۰۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰.۱۲۴۹۷۷	۰.۰۸۸۵۴۶	-۳.۴۱۱۴۳۸	۰.۰۳۸۵
دوگانگی مدیرعامل	۰.۱۵۶۲۰۹	۰.۰۳۳۹۷۱	۴.۵۹۸۳۱۹	۰.۰۰۰۰
اندازه شرکت	-۰.۰۰۲۱۹۲	۰.۰۱۳۲۰۲	-۰.۱۶۶۰۴۲	۰.۸۶۸۲
اهرم مالی	۰.۲۲۷۱۸۰	۰.۰۷۲۸۶۵	۳.۱۱۷۸۲۵	۰.۰۰۱۹
ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰.۰۰۱۴۷۸	۰.۰۰۲۸۱۸	-۰.۵۲۴۴۵۵	۰.۶۰۰۱
ضرر و زیان	۰.۰۸۰۷۲۷	۰.۰۴۱۷۱۸	۱.۹۳۵۰۸۴	۰.۰۵۳۴
نقدینگی	۰.۰۲۸۳۸۸	۰.۰۳۳۲۱۹	۰.۸۵۴۵۶۹	۰.۳۹۳۱
دوره تصدی مدیرعامل	-۰.۰۱۰۸۶۸	۰.۰۰۵۵۱۹	-۱.۹۶۸۹۹۵	۰.۰۴۹۳
بازده سهام	-۰.۰۵-۰.۳۴	۰.۰۰۰۱۱۹	-۰.۵۳۲۹۷۹	۰.۵۹۴۲
سودآوری	۰.۱۶۹۱۹۹	۰.۱۶۵۰۷۷	۱.۰۲۴۹۷۱	۰.۳۰۵۷
اظهار نظر حسابرس	-۰.۰۱۶۳۹۹	۰.۰۲۹۹۰۷	-۰.۵۴۸۳۴۴	۰.۵۸۳۶
ضریب تعیین تعدیل شده			۰.۱۳۱	
دوربین- واتسون			۱.۹۶۵	
سطح معناداری (آماره F)			۰.۰۰۰	

نتیجه گیری حاصل از پژوهش

نتایج پژوهش به شرح زیر است:

آزمون فرضیه های اول تا سوم:

نتایج نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری متغیرهای مستقل بترتیب اندازه هیئت مدیره برابر ۰,۰۱۸۴، استقلال هیئت مدیره برابر ۰,۰۴۳۴ و دوگانگی مدیرعامل برابر ۰,۰۳۶۷ بوده که کم‌تر از ۵ درصد بوده، معنی‌دار می‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه اول تا سوم تحقیق تایید می‌شود. ضرایب اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره هر دو منفی بوده که نشان می‌دهد با افزایش مقادیر آنها، مقدار دستکاری فعالیت های واقعی کاهش می‌یابد. اما مقدار ضریب متغیر دوگانگی مدیرعامل مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش شمول دوگانگی مدیرعامل، مقدار دستکاری فعالیت های واقعی نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته های ژو و همکاران (۲۰۱۸) و تانی بات و عبدلجلیل (۲۰۱۱) و تسیپوریدو و اسپاتیس (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه های چارم تا ششم:

سطح معنی‌داری متغیرهای مستقل بترتیب اندازه هیئت مدیره برابر ۰,۰۰۰، استقلال هیئت مدیره برابر ۰,۰۳۸۵ و دوگانگی مدیرعامل برابر ۰,۰۰۰ بوده که کم‌تر از ۵ درصد بوده، معنی‌دار می‌باشد. با توجه به موارد فوق، فرضیه چهارم تا ششم تحقیق تایید می‌شود. ضرایب اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره هر دو منفی بوده که نشان می‌دهد با افزایش مقادیر آنها، مقدار دستکاری فعالیت های واقعی کاهش می‌یابد. اما مقدار ضریب متغیر دوگانگی مدیرعامل مثبت است که نشان می‌دهد با افزایش شمول دوگانگی مدیرعامل، مقدار دستکاری فعالیت های واقعی نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته های ژو و همکاران (۲۰۱۸) و تانی بات و عبدلجلیل (۲۰۱۱) و تسیپوریدو و اسپاتیس (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

جدول (۵-۱) نتایج کل فرضیه های پژوهش

شماره فرضیه	عنوان فرضیه	تایید/رد
۱	اندازه هیئت مدیره بر دستکاری فعالیت های واقعی تاثیر معناداری دارد.	تایید
۲	استقلال هیئت مدیره بر دستکاری فعالیت های واقعی تاثیر معناداری دارد.	تایید
۳	دوگانگی مدیرعامل بر دستکاری فعالیت های واقعی تاثیر معناداری دارد.	تایید
۴	اندازه هیئت مدیره بر مدیریت سود فرصت طلبانه تاثیر معناداری دارد.	تایید
۵	استقلال هیئت مدیره بر مدیریت سود فرصت طلبانه تاثیر معناداری دارد.	تایید
۶	دوگانگی مدیرعامل بر مدیریت سود فرصت طلبانه تاثیر معناداری دارد.	تایید

پیشنهاد های کاربردی تحقیق

پیشنهاد های زیر به عنوان راهبردهایی برای تحقیقات ارائه می‌گردد:

۱. استفاده وسیع از مدیریت سود، زمینه ساز افشا ناکافی و یا حتی گمراه کننده در گزارشگری مالی است؛ لذا به سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی توصیه میشود که در تدوین برنامه های حسابرسی و اجرای روشهای حسابرسی، به گونه ای مناسب احتمال مدیریت سود را مدنظر قرار دهند و اظهار نظر مطلوبی ارائه دهند.
۲. به بانکها و موسسات اعتباری پیشنهاد می‌شود در زمان پرداخت تسهیلات از نوع اظهار نظر حسابرسی بعنوان مبنای عملکرد، وضعیت مالی و انعطاف پذیری واحدهای تجاری استفاده شود.

۳. همچنین به بانک مرکزی پیشنهاد می شود قانونی را وضع نماید که تسهیلات بر مبنای گزارشات تعدیل نشده پرداخت شود نه صرفاً فقط گزارش حسابرس اخذ شود بدون توجه به نوع اظهار نظر تسهیلات پرداخت شود.
۴. پیشنهاد می گردد شناخت بیشتر مدیریت سود واقعی را از نظر مبانی، محدودیتها، میزان تقلب مدیران و کارکنان که میتواند بسیاری از ابهامات حسابرس را برطرف کرده و نظر مطلوبی داشته باشد را در نظر بگیرند.
۵. شناختن رابطه ساختار مالکیت و ساختار هیئت مدیره نه تنها برای سرمایه گذاران بلکه برای قانونگذاران داخلی مهم است که تلاش های زیادی را در زمینه بازسازی مالکیت و هیئت مدیره شرکت های ذکر شده در بورس اوراق بهادار تهران ادامه می دهند. قانونگذاران با در نظر گرفتن اصلاحات آتی و همچنین ارزیابی اصلاحات که قبلاً در مورد هر دو ساختار مالکیت و ساختار هیئت مدیره پذیرفته شده است (به عنوان مثال، اصلاح تقسیم سهم، که مالکیت را از مالکیت بسیار متمرکز دولتی به مبادله سهامداران داخلی و خارجی پراکنده می کند)، ارزیابی می کند.
۶. بر اساس نتایج تحقیق بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و مدیریت سود رابطه مثبت وجود دارد. به عبارت بهتر اگر مدیرعامل شرکت رئیس هیئت مدیره آن نیز باشد احتمال مدیریت سود افزایش مییابد. یک دلیل احتمالی برای این امر آن است که دوگانگی وظیفه مدیرعامل کارایی هیئت مدیره را کاهش میدهد. لذا پیشنهاد شد که رئیس هیئت مدیره مدیرعامل شرکت نباشد.
۷. توجه شود که اکثر مدیران غیراجرایی در شرکتهای ایرانی فاقد تخصص مالی در زمینه شناسایی رفتارهای فرصتطلبانه مدیران هستند و در تجزیه و ارزیابی اطلاعات در این زمینه دانش کافی ندارند. در واقع، کارایی مدیران به آگاهی و شناخت آنها از رفتارهای مدیریت سود بستگی دارد.
۸. عدم استقلال کامل مدیران غیراجرایی شرکت و رابطه دوستی بین مدیران غیراجرایی با مدیران اجرایی شرکت دلیل عدم کارایی آنها در شناسایی رفتارهای مدیریت سود باشد که باید مد نظر قرار گیرد.

محدودیت های تحقیق

محدودیت پژوهش حاضر به شرح ذیل می باشد:

۱. تعداد کم شرکت های انتخابی ممکن است قابلیت اتکای متغیرهای مربوطه، را با کمتر کند؛ یا حتی به حذف برخی صنایع از نمونه منجر شود که توجه به این موضوع نیز در تعمیم نتایج باید مدنظر قرار گیرد.
۲. بعضی از داده ها با صرف وقت و هزینه زیاد بدست آمده است.
۳. پژوهش حاضر با استفاده از داده های تعداد مشخصی شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی سال های مشخص انجام شده است و در بر گیرنده همه طبقات صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران نیست. بنابراین، به هنگام تعمیم نتایج حاصل از این پژوهش به سایر شرکت ها و صنایع باید این مساله را مد نظر قرار داد.

منابع و ماخذ:

- آقایی، محمد علی و چالاک، پری، (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، شماره ۴، ۷۷-۵۴.
- اکبری مقدم، حامد، (۱۳۹۷)، بررسی ارتباط بین دستکاری فعالیت های واقعی ضعف کنترل داخلی، سومین کنفرانس ملی سالانه اقتصاد، مدیریت حسابداری، اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز - سازمان صنعت، معدن و تجارت خوزستان.

- بنی مهد، بهمن، حساس یگانه، یحیی و یزدانیان، نرگس (۱۳۹۳). «مدیریت سود و اظهار نظر حسابرس». فصلنامه حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۱، صص ۱۷-۳۲
- بهار مقدم مهدی و علی کوهی، (۱۳۸۹)، «بررسی نوع مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله دانش حسابداری، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۹، صص ۷۵-۹۳.
- حساس یگانه، یحیی، بولو، قاسم و فرخی نژاد، فاطمه (۱۳۹۱). «رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و گزارش حسابرس». مجله دانش حسابداری، سال دهم، شماره ۲۰، صص ۶-۲۱.
- رحمانی، هژار، طالب نیا، قدرت الله (۱۳۹۲) رابطه بین نوع حسابرس و نوع گزارش حسابرس با شاخص مدیریت سود، پژوهش های حسابداری مالی و حسابداری، سال پنجم، شماره ۱۹.
- زهره وند، نرگس و مجید زنجیر دار، ۱۳۹۲، بررسی رابطه بین هزینه های سیاسی و پیش بینی مدیریت سود با استفاده از مدل شبکه عصبی مصنوعی در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، تهران، مرکز همایش های پژوهشگاه نیرو.
- کامیابی، یحیی و مهدیه شکریمان، ۱۳۹۵، بررسی تاثیر مدیریت سود واقعی بر رابطه بین مدیریت سود تعهدی و ارتباطات سیاسی، چهارمین کنفرانس بین المللی اقتصاد، حسابداری و مدیریت، کوالالامپور - مالزی، موسسه پژوهشی پندارهمایش پارس، دانشگاه علم و صنعت واحد نور.
- مقصودی نژاد، آمنه و پریا دیباکیا، (۱۳۹۸)، مالکیت خانوادگی و دستکاری فعالیت های واقعی، هفدهمین همایش ملی حسابداری/ایران، قم، پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- مرادی، محمد؛ اصولیان، محمد و نوروزی، محمد (۱۳۹۳). «اظهار نظر حسابرس و مدیریت سود با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت». فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابداری، دوره ۲۱، شماره ۳، صص ۳۱۳-۳۲۸.
- محمودآبادی، حمید و شعله منصوری. (۱۳۹۰). "نقش اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری در پیش بینی جریان های نقدی عملیاتی آتی"، فصلنامه حسابداری مالی، سال سوم، شماره (۱۰)، صص ۱-۱۷.
- مشایخی، ب. و مریم صفری. (۱۳۸۵)، "وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابداری، شماره ۴۴، صفحه ۳۵-۵۴.
- نوروش، ایرج؛ سپاسی، سحر و محمدرضا نیکبخت. (۱۳۸۴). بررسی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴۳: ۱۶۵-۱۷۷.
- نمازی، محمد؛ بایزیدی، انور و سعید جبارزاده کنگرلویی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات حسابداری، سال ۳، ۹: ۴-۲۱.

Boonlert-U-Thai, K. & Meek, G. & Nabar, S. (2006). Earnings Attributes and Investor Protection: International Evidence. *The International Journal of Accounting*, 41 (4): 327-357.

Carson, E., Fargher, N., Geiger, M., Lennox, C., Raghunandan, K. & Willekens, M. (2012). Auditor reporting on going-concern uncertainty: A research synthesis. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2000496>. Accessed ۲۵،۰۴. ۲۰۱۲.

Cohen, D.A. and Zarowin, P. (2010), "Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50 No. 1, pp. 2-19.

Daily, C. M. and Dalton, D. R. (۱۹۹۴). Corporate Governance and the bankrupt firm: an empirical assessment, *Strategic Management Journal*, 15.

- Didman, Suzanne, Johnson, Elder, and Davies. (2000); "Auditor specialization, perceived audit quality, and audit fees in the local government audit market", *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 26, No. 6, pp. 705–732.
- El-Helaly, M., Georgiou, I., Lowe, A.(2018). The Interplay between Related Party Transactions and Earnings Management: The Role of Audit Quality,*Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* .
- Francis, J.R. and Krishnan, J. (1999), "Accounting accruals and auditor reporting conservatism", *Contemporary Accounting Research*, Vol. 16 No. 1, pp. 135-165.
- Jensen M. (1993) "The Modern Industrial Revolution, Exit, and the Failure of Internal Control Systems", *Journal of Finance*, No. 48
- Kaplan, S.E. and Williams, D.D. (2013), "Do going concern audit reports protect auditors from litigation? A simultaneous equations approach", *The Accounting Review*, Vol. 88 No. 1, pp. ۱۹۹-۲۳۲.
- Li, F. & Abeysekera, I. & Ma, S. (2011). Earnings Management and the Effect of Earnings Quality in Relation to Stress Level and Bankruptcy Level of Chinese Listed Firms. *Corporate Ownership and Control*, 9 (1): 366-391. University of Wollongong, Research Online
- Marchini,P., Mazza,T., Medioli,A, (2018) .Related party transactions, corporate governance and earnings management.*Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*. <https://doi.org/10.1108/CG-11-2017-0271>.
- Sanjaya, P.S. and Saragih, M.F. (2012). The Effect of Real Activities Manipulation on Accrual Earnings Management: The Case in Indonesia Stock Exchange (IDX). *Journal of Modern Accounting and Auditing*, Vol. 8, No. 9, 1291-1300.
- Sharad,k,(2014), "The Timeliness of Quarterly Financial Reports of Companies in Malaysia" , Working Paper. Online at www.ssrn.com.
- Scott. W.R.t, financial accounting theory.(2009). third (2) edition (Canada:Prentice- Hall).
- Sanjaya, P.S. and Saragih, M.F. (2012). The Effect of Real Activities Manipulation on Accrual Earnings Management: The Case in Indonesia Stock Exchange (IDX). *Journal of Modern Accounting and Auditing*, Vol. 8, No. 9, 1291-1300.
- Scott. W.R.t, financial accounting theory.(2009). third (2) edition (Canada:Prentice- Hall).
- Simamora, R. and Hendarjatno, H. (2019), "The effects of audit client tenure, audit lag, opinion shopping, liquidity ratio, and leverage to the going concern audit opinion", *Asian Journal of Accounting Research*, Vol. 4 No. 1, pp. 145-156.
- Thuneibet.A., abdel-jalil.T. , (2011) ,"Auditors Opinions, Discretionary Accruals and Financial Risk:Evidence from Jordan", *Journal of Accounting – Business & Management*, Vol. 18, No. 1, PP. 1-18.

- Tsipouridou, M. and Spathis, Ch. (2014). Audit opinion and earnings management: Evidence from Greece. *Accounting Forum* 38 (1): 38- 54.
- Wang Jo-Yu, Chiang, Min-Hsien (2006). "Information Asymmetry and Investors Behavior around Earnings Announcements. Published Working Paper. Institute of International Business National Cheng Kung University. Taiwan.
- Xu, Mai Dao, Jia Wu, (2018) "The effect of real activities manipulation on going concern audit opinions for financially distressed companies", *Review of Accounting and Finance*, <https://doi.org/10.1108/RAF-09-2016-0135>.
- Zang, A. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based activities earnings management. *The Accounting Review*, 87(2), 675-703.

